

# تکلیف دختره را معلوم کن و قاطع باش- آنچه پدر و مادرتان نگفته اند ( جرات ازدواج)

28 ساله و مشغول تحصیلاتی عالی هستم. چند سالیست که با دختری مرتبم 31 ساله با تحصیلات و موقعیت کاری بهتر از خودم (شرکتی موفق دارد) که درباره رابطه مون حرفهای ضد و نقیض میزند. از طرفی میگوید عاشقم نیست از طرفی خواستگارهای خیلی خویش را پس میزند. من درگیریهای خانوادگی داشته ام از کودکی که باعث میشود از ازدواج پرهیز داشته باشم از سویی این دختر را دوست دارم اما نمیدانم پا پیش بگذارم یا نه. دوست دارم حامی خانواده ام نیز باشم و الان شرایط مالی و کاری و خانوادگی به ازدواج نمیخوره و جرات ازدواج ندارم

سلام من را پذیرا باشید

1- خیلی به ظاهر حرفهای این دختر خانم اعتماد نکن چون واضحه که از کمی رازآلود بودن و غیر قابل پیش بینی بودن لذت میبره به همین خاطر پیامهای متناقضی برایت میفرستد: هم دوست داشتن هم زیاد نداشتن در حالیکه دوستت دارد، حساسی هم گرفتارت است و این را از انتخابهایش، حمایتهای خویش میتوان فهمید. او در سنی است که بلا تکلیفی برایش سم است و بی تصمیمی شما میتواند او را سرخورده کند. جنس زنانه دنبال صراحت و قاطعیت و مسوولیت پذیری مردانه است و اگر رفتارتان دخترانه باشد یعنی پذیرش و تسلیم و قاطعیتهای مقطعی تکانشی داشته باشید او را از دست میدهد

2- دستاوردهای تو از او کمتر است و این معنای خوبی ندارد. ممکن است اوائل زندگی خیلی نقش شوهری را نتوانی در خودت پیدا کنی ولی همانطور که نوشته اید، نقاط ضعف شما در او مبدل به نقطه قدرت شده است. این فی نفسه زمانی خطرناک میشود که شما رشدهای لازم را انجام ندهید

3- اختلاف سنی که نوشته اید من را نگران نمیکند زیرا ثبات بهتری را نوید میدهد

4- وقتی میخواهیم ازدواج کنیم، باید تکلیف یک رابطه خیلی مهم را در زندگی خود تعیین کنیم: رابطه با خانواده خود و خانواده همسر. شما سختیهایی کشیده اید که هضمش برای غیر شما سخت خواهد بود، با شرحش برای همسران فقط توقعات بالاتر میرود که او درکی عمیق تر داشته باشد پس در این مورد خویشتن داری کنید. حمایت از مادرتان بخشی از زندگی شماست و بیشتر بخش مهمی از سفر زندگی یک زن خواهد بود. هر زنی اگر به جای اینکه جنگهای به موقع زندگی خویش را در پیش بگیرد، همه جنگهایش را در مادری کردن فرضا، هدایت کند ممکن است مادری بشود متوقع که فرزندان بدکار تربیت کند با بندناف نبریده! یعنی دختر و پسرش همیشه از اینکه لذتهایی فردی تجربه کنند عمیقاً وجدان دردهایی دارد زیرا مادر از این تجربیات محروم بوده است. در این صورت ما با رابطه ای آسیب خورده مبتنی بر رنجش روبرو میشویم. من فکر میکنم با سایر برادران و خواهرانت باید از الان شبکه حمایتی معقول و نه وسواسی نسبت به خانواده تشکیل دهید و بروید خوشبختی را تجربه کنید